



دُرَج الدُّرَر و دَرَج الغُرَر

فی بیان میلاد خیرالبشر

تألیف:

اصیل الدین واعظ دشتکی

(در محدثه ۸۸۳ ق)

(بر اساس دستنویس کتابخانه دانشگاه علیگر، به خط معین الدین فراهی، سده ۹ ق)

با مقدمه و اهتمام

احمد فتوحی نسب

Dorj al-Dorar va Darj al-gorar **fi Bayan Milad Khair al-Bashar**

by:
Asil al-din waiz dashtaki

Introduction by:
Ahmad Fotouhinasab

ISBN: 978-600-313-086-9



9 786003 130869



انتشارات سفیر ادب

تهران، خیابان سمیه، بعد از مفتاح
روبروی بانک ملی، ساختمان ۱۱۸ واحد ۴
تلفن: ۸۸۳۱۹۳۴۲ - ۸۸۳۱۹۳۴۱
تلفکس: ۸۸۳۱۳۸۹۸

دُرج الدُّرَر و دَرَج الغُرَر

فی بیان میلاد خیرالبشر

تألیف:

اصیل الدین واعظ دشتکی

(درگذشته ۸۸۳ ق)

(بر اساس دستنویس کتابخانه دانشگاه علیگر، به خط معین الدین فراهی، سده ۹ ق)

با مقدمه و اهتمام

احمد فتوحی نسب



کتابخانه ملی و اسناد ایران

سرشناسه	اصیل‌الدین واعظ، عبدالله بن عبدالرحمن، ۸۸۳ق
عنوان و نام پدیدآور	درج‌الدرر و درج‌الغرر فی بیان میلاد خیرالبشر / تألیف اصیل‌الدین واعظ دشتکی (درگذشته ۸۲۲ق)؛ با مقدمه و اهتمام احمد فتوحی نسب
مشخصات نشر	تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۸۱۰ص
فروست	مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی؛ ۱۱
شابک	۴۰۰۰۰ ریال: ۹-۰۸۶-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	براساس دستنویس کتابخانه دانشگاه علیگر به خط معین‌الدین فراهی، سده ۹ق
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- سرگذشتنامه
شناسه افزوده	فتوحی نسب، احمد، ۱۳۵۰، مصحح
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۲ ۴د۶الف/۹Bp۲۲
رده‌بندی دیوپی	۲۹۷/۹۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۹/۴۰۳

شابک: ۹-۰۸۶-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸



تهران: خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه‌روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

© حق چاپ: ۱۳۹۲، انتشارات سفیر اردهال www.safirardehal.ir

نوبت چاپ: اول

درج‌الدرر و درج‌الغرر فی بیان میلاد خیرالبشر

تألیف: اصیل‌الدین واعظ دشتکی

به خط: معین‌الدین فراهی

با مقدمه و اهتمام: احمد فتوحی نسب

از: مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی - ۱۱

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ‌باباپور

طراح جلد: سعید دهدشتی

صفحه‌آرا: بهاره آزمون

ناظر چاپ: جواد فینی

شمارگان: ۲۰۰

شماره نشر: ۱ - ۲۶۷

بها: سیاه و سفید ۴۰۰۰۰۰ ریال و رنگی ۱۸۰۰۰۰۰ ریال (خارج از ایران ۹۰ دلار)

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

به نام آفریننده قلم

مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره‌ی اسلامی، حرکتی است در راستای چاپ عکسی (فاکسمیل) نفایس میراث مکتوب دوره‌ی اسلامی، از تمامی کتابخانه‌های جهان، با موضوعات مختلف علمی و فرهنگی که هم‌اکنون به یاری خداوند سبحان شماره‌ی یازدهم آن با انتشار یکی دیگر از متون ارزشمند حوزه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی با عنوان *درج الدرر و درج الغرر* اصیل الدین دشتکی از روی دستنویس کتابخانه‌ی دانشگاه علیگر هند که به خط معین الدین فراهی می‌باشد، ارائه می‌شود.

دستیابی به این نسخه‌ی ارزشمند را مدیون دوست دانشمند و فرزانه، جناب آقای دکتر بهروز ایمانی هستیم.

کمبود منابع دست اول در بررسی‌های تاریخ علوم دوره‌ی اسلامی، بسیاری از محققان عرصه‌های مختلف در این زمینه را با مشکل مواجه نموده و اغلب در دسترس نبودن چنین آثاری، تحقیقات آتی را به سمت و سویی رضایت‌بخش سوق نداده است.

به همین دلیل، سعی نمودیم تا مجموعه‌ی حاضر را راه‌اندازی کنیم تا به انتشار نسخه‌های نفیس و اصیل، هرچند در تیراژ محدود، همت گماریم. در این راه بهترین الگوی حقیر، دانشمند بزرگ معاصر و کتابشناس بی‌نظیر، فؤاد سزگین بوده است.

هم‌زمان با این مجلد، بیش از ده اثر نفیس دیگر، با مقدمه‌ی اساتید و دوستان دانشمند دیگر، در موضوعات متنوع، در نوبت چاپ قرار گرفته که بنا داریم تا آخر سال ۱۳۹۲ ش. بیش از پنجاه جلد آن را به طبع برسانیم.

از دوست عزیز، جناب آقای احمد فتوحی‌نسب نهایت تقدیر و تشکر را به جای می‌آورم که این مجموعه را قابل دانسته، با مقدمه‌ی ارزشمندشان این اثر گرانقدر را آماده چاپ فرمودند. خدایشان توفیق دهداد.

دبیر مجموعه

دکتر یوسف بیگ باباپور

تقدیم به

دوست دانشمند و فرهیخته کم نظیر:

دکتر بهروز ایمانی

که دستیابی به نسخه حاضر را مدیون مناعت طبع و بزرگمنشی ایشان هستیم.

مقدمه

آثار خطی فارسی گنجینه‌های گهرباری هستند که در گوشه و کنار جهان در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف نگهداری می‌شوند و به دلایل گوناگون از دید محققان و پژوهشگران زبان و ادب فارسی پنهان مانده‌اند. ضرورت کار پژوهش، شناسایی، تصحیح، احیا و انتشار این میراث کهن بر کسی پوشیده نیست.

یکی از این آثار بسیار ارزشمند، کتاب «درج الدرر و درج الغرر فی بیان میلاد خیر البشر» تألیف «اصیل الدین واعظ دشتکی» (۸۸۳ق) می‌باشد که از جهات گوناگون دارای اهمیت است.

کتاب حاضر که به صورت چاپ عکسی و به خط معین الدین فراهی (۹۰۹ق)، در اختیار دوستداران زبان و ادب فارسی قرار می‌گیرد، از سه نظر مورد توجه و دارای اهمیت ویژه است:

۱- مولف اثر؛ اصیل الدین واعظ دشتکی، شخصی دانشمند، عالم و آگاه به آیات، احادیث، روایات و عرفان اسلامی بوده است و با افزودن چاشنی عرفان، تلخی بعضی از وقایع ناگوار را زدوده است.

۲- کاتب نسخه؛ معین‌الدین فراهی نیز شخصی بصیر، دانشمند، واعظ، شاعر و هم‌عصر مولف بوده است و در کتابت نسخه نهایت دقت و توجه را داشته که فقط و فقط آنچه را که مؤلف نگاشته، کتابت کند و به هیچ وجه خود را داخل متن نکرده و به کم و زیاد کردن مطالب نپرداخته است. پس از کتابت هر مجلس با نهایت دقت و وسواس آن را با نسخه‌ی اصلی مقابله کرده و تاریخ مقابله را نیز با ذکر روز، ماه و سال قید کرده است. با توجه به مقابله‌ای که این جانب با دیگر نسخه‌های موجود و معتبر از این اثر انجام داده‌ام، می‌توان گفت این نسخه بدون کم و کاست همان مطالبی است که از زیر قلم اصیل‌الدین واعظ بیرون آمده است.

۳- لفظ و محتوای اثر: سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) را به زبان ادبی و با نثری آراسته و مزین بیان کرده است. اگر از مقدمه‌ی کتاب و آغاز هر مجلس - که با خطبه‌ای عربی شروع می‌شود و دارای نثری مسجع و مصنوع، همراه با عبارت‌های طولانی و انواع مترادفات و واژه‌های مأنوس و گاه نامأنوس عربی و صنایع ادبی دشوار است - بگذریم، دیگر قسمت‌های کتاب با نثری ساده و روان نگاشته شده است. مؤلف به مناسبت ذوق شعری خود، در جاهای مختلف، نثر را با اشعار عربی و فارسی آراسته و مزین ساخته و به جز چند مورد که با ذکر القاب و عناوین از مولوی نام برده و به اشعار او استناد کرده، در دیگر موارد نام شاعران را ذکر نکرده است.

اینک به توضیح مختصری درباره‌ی هر یک از موارد فوق بسنده می‌شود و شرح و بسط مطالب را به مقاله‌ای که در همین زمینه تدوین کرده‌ام - ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد - واگذار می‌کنم.

یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که استادان ارجمند، آقایان: نجیب مایل هروی^۱ و مرحوم نذیر احمد^۲ مقالات ارزشمندی در این باره نوشته‌اند که به خوبی حق

۱- پیام بهارستان/ د ۲، س ۱، ش ۴/ تابستان ۱۳۸۸. اصیل شیرازی، واعظ دره‌ری، ص ۲۹۰-۲۵۳.

مطلب را ادا کرده‌اند و بنده چند بار این دو مقاله را مطالعه کرده‌ام و سعی کرده‌ام ضمن پرهیز از تکرار مطالب فقط به نکاتی که از نظر آن بزرگواران دور مانده و یا به آن‌ها پرداخته‌اند، اشاره کنم.

زندگی سید اصیل‌الدین

نام و نسب وی

مؤلف در مقدمه‌ی کتاب بعد از یک خطبه‌ی طولانی نام و نسب خود و پدرش را این‌گونه بیان کرده است:

«... چون محرر مقال این مجالس و مزین جمال این عرایس، افقر خلق الله الغنی، خادم الحدیث النبوی، عبدالله بن عبدالرحمن الحسینی، المشتهر بین کل لافظ باصیل الواعظ...»^۲

در تاریخ روضه‌الصفاء که نزدیک‌ترین سند به زمان اوست؛ سید اصیل‌الدین را از جمله «نقبای گرام و علمای عظام و...» معرفی کرده، نام او را خیلی کوتاه و مختصر آورده است:

«امیر سید اصیل‌الدین عبدالله الحسینی»^۴

۲- قند پاریسی / مجموعه مقالات مرحوم نذیر احمد / ج ۲، سید اصیل‌الدین واعظ شیرازی صاحب درج الدرر، ص ۳۸-۱.

۳- درج الدرر، نسخه‌ی حاضر، ص ۵.

۴- تاریخ روضه‌الصفاء (جلد هفتم)، ص ۵۹۴۱.

اما در حبیب السیر و مجالس المؤمنین نام و نسب و اجداد او با تفصیل بیشتر ذکر شده است:

«امیر اصیل الدین عبدالله بن عبدالرحمن بن سید عبداللطیف بن سید جلال الدین محمد یحیی الحسینی الدشتکی شیرازی».^۵

در فهرست‌های نسخ خطی نیز گاه با القاب و عناوین و گاه به صورت خلاصه از او یاد کرده‌اند:

«دشتکی شیرازی، اصیل الدین عبدالله (۸۸۳ق)».^۶

«عبدالله بن عبدالرحمن دشتکی شیرازی (۸۸۳ق)».^۷

«ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمن اصیل واعظ».^۸

«امیر اصیل الدین عبدالله عبدالرحمن حسینی دشتکی شیرازی مدعو به اصیل واعظ».^۹

۵- تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاقی، انتشارات خیام، چاپ سوم، تهران، ج ۴، ص ۳۳۴. مجالس المؤمنین، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، تهران، ص ۲۱۹.

۶- فهرست‌آوری کتاب‌های فارسی، به کوشش احمد منزوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، مجلد سوم، ص ۱۶۴۵.

۷- فهرست نسخه‌های خطی اهدایی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۱۲.

۸- فهرست نسخه‌های خطی، مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۹۵.

۹- فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، احمد گلچین معانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۴۶، ج ۷، ص ۸۴.

«ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمان بن عبداللطیف الحسینی المشتھر
باصیل الواعظ».^{۱۰}

«اصیل الدّین عبدالله بن عبدالرحمن دشتکی (۸۸۴)».^{۱۱}

«دشتکی، سیدامیر اصیل الدّین عبدالله بن عبدالرحمان حسینی دشتکی
شیرازی در گذشته ۱۷ ع ۱ ۸۸۳».^{۱۲}

«اصیل الدّین عبدالله بن عبدالرحمن واعظ حسینی دشتکی شیرازی
(۸۸۳ یا ۸۸۴ق)».^{۱۳}

«عبدالله بن عبدالرحمن الحسینی».^{۱۴}

در نسخه‌ی حاضر، در آغاز هر مجلس، القاب و عناوینی برای مؤلف ذکر شده که
اندک تفاوتی در آن‌ها دیده می‌شود و خوانندگان محترم به خوبی آن‌ها را در می‌یابند و
در این جا برای پرهیز از درازگویی از تکرار مطالب خودداری می‌شود.

۱۰- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، آرشیو ملی پاکستان، اسلام‌آباد، به کوشش عارف نوشاهی، انتشارات میراث
مکتوب، تهران، ۱۳۹۰، ص ۵۲۷.

۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی، سید احمد حسینی، قم،
بی‌تا، ج ۱۸، ص ۲۳۳.

۱۲- فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، احمد منزوی، انتشارات مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۴۶، ج ۱۲،
ص ۲۸۲.

۱۳- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، علی صدراپی خوبی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات
اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ج ۳۷، ص ۳۷۲ و ج ۳۸، ص ۲۰۰.

۱۴- فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی ایران، سیدعبدالله انوار، ناشر: کتابخانه‌ی ملی ایران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱،
ج ۴، ص ۲۵۷.

نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی در آغاز مجلس دوم، از مؤلف با این القاب و عناوین نام برده است:

«... الامام العالم النقاد، منبع العرفان و التحقيق و حسن الاعتقاد، مقتدی جماهیر المحققین، ملتجی مشاهیر المدققین، ناصح اعظام الملوك و السلاطین، السيد السند، اصیل الملة و الشریعة و التقوی والدین، عبدالله الحسینی الشافعی، المحدث الداعی الی سبیل الخیر و الرشاد، ابد الله تعالی ظلالة و ضاعف بین المسلمین کماله»^{۱۵}.

در این جا از دعای «ابدالله تعالی ظلالة...» دریافت می‌شود که مطلب فوق در زمان حیات مؤلف کتابت شده، ولی از آن جا که نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی از نظر نوع کاغذ و خط به نسخه‌های قرن یازدهم نزدیک است، می‌توان نتیجه گرفت که این مطلب مربوط به نسخه‌ای بوده که در زمان حیات مؤلف کتابت شده و کاتب دوم به لحاظ رعایت امانت این عبارت را عیناً در نسخه‌ی خود آورده است. به هر حال عبارات فوق و هم‌چنین عبارتهایی که «معین‌الدین فراهی» در آغاز هر مجلس - کتاب حاضر - بیان کرده‌اند، همگی دلالت بر این نکته دارند که «اصیل‌الدین واعظ» در زمان حیات خود از شهرت والایی برخوردار بوده است.

کودکی و مدت عمر اصیل‌الدین واعظ

از ولادت و دوران کودکی او اطلاع دقیقی در دست نیست. آنچه را که در تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات می‌بینیم، تکرار مطالبی است که در تاریخ روضه‌الصفاء نقل شده است.

۱۵- نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی، ص ۷۶.

«به صفت اصالت و سمت جلالت و نباهت شأن و قدم دودمان
[موصوف و معروف بود و به وفور تقوی و دین داری و غایت دیانت
و پرهیزکاری از اکثر علما و سادات] بنی آدم ممتاز و مستثنی بود...
در زمان سلطنت سلطان ابوسعید از دارالملک شیراز که وطن اصلی
آن جناب است به هرات تشریف آورده، رایت اقامت برافراشت...
انتقال امیر سید اصیل الدین از جهان محنت آیین به ریاض بهشت
برین در هفدهم ربیع الاول سنه ثلث و ثمانین و ثمان مأیة (۸۸۳)
روی نمود... و خاقان منصور به تسلی خاطر اولاد و امجاد او توجه
کرده، سیور غالات سید مرحوم را به ایشان عنایت فرمود».^{۱۶}

در تاریخ «حبیب السیر» و تذکره «مجالس المؤمنین» و ... همین مطالب را با اندک
تغییرات می‌بینیم، با این تفاوت که تاریخ درگذشت او در «حبیب السیر»^{۱۷} هفدهم
ربیع الآخر ۸۸۳ و در «رجال حبیب السیر»^{۱۸} هفدهم جمادی الآخر همان سال ذکر شده است
و بعضی از فهرست‌های نسخ خطی سال ۸۸۴ نوشته‌اند.

در کتاب «ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری» چنین می‌خوانیم:

«امیر سید اصیل الدین ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمان حسینی
دشتکی شیرازی شافعی. وی را سلطان ابوسعید از شیراز به هرات
خواست و او معمولاً هر هفته در مسجد گوهرشاد آغا، برای مردم
وعظ می‌کرد. وی در ماه ربیع یکم برای گروه مستمعین مشتاق

۱۶- روضة الصفا، ج ۷، ص ۴۲-۵۹۴۱.

۱۷- حبیب السیر، ج ۴، ص ۳۳۴.

۱۸- رجال حبیب السیر، ص ۱۷۱.

«میلاد نبی» گویا کتاب «المجتبی» را می خوانده است. وی در سال ۸۸۳ هـ / ۱۴۷۸ م در گذشته است.^{۱۹}

مرحوم فکری سلجوقی در مقدمه‌ی «مزارات هرات» او را چنین معرفی کرده‌اند:

«امیر سید عبدالله الحسینی (اصیل الدین واعظ) اصلاً از سادات دشتکی شیراز است و خاندان آن سادات جلیل حسینی در عصر شاهرخ یا سلطان ابوسعید گورکان از شیراز به هرات آمده، این جا اقامت جستند. هر چند معروف است که امیر سید اصیل الدین به امر سلطان ابوسعید از شیراز به هرات آمده، گمان می کنم که خاندان اصیل الدین به فرمان شاهرخ به هرات آمده باشند، زیرا که دوره‌ی سلطنت ابوسعید گورکان طولانی نیست و اصیل الدین این کتاب را به عصر وی نوشته و ممکن نیست شخصی غریب در مدت دو سه سال به تمام زوایا و خیابای هرات اطلاع حاصل نماید و چنین کتابی بنویسد....»

خاندان سید اصیل الدین عبدالله از سادات جلیل حسینی شیراز و به سادات دشتکی معروف اند که به فرمان شاهرخ یا سلطان ابوسعید محترمانه به هری خواسته شده‌اند و تا اکنون دودمان آن خاندان در هرات به سر می‌برند و تا هنوز فرمان‌های سلطان حسین بایقرا و سلطان ابوسعید را در دست دارند و از املاکی که سلاطین تیموری به اجدادشان بخشیده‌اند، بهره بر می‌دارند.^{۲۰}

۱۹- استوری، ادبیات فارسی، ترجمه‌ی فارسی: یحیی آرین‌پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تحریر: احمد منزوی، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۹۰.

۲۰- رساله‌ی مزارات هرات، مقدمه، ص ۲۱-۲۰.

آنچه مسلم است، اصیل‌الدین واعظ در شیراز متولد شده و در همان‌جا نشو و نما یافته است. اگر چه تاریخ ولادت او به طور دقیق مشخص نیست، اما اطلاعات موجود حاکی از آن است که در سال ۸۲۸ کتاب «المجتبی فی سیره المصطفی» را تألیف کرده است، با توجه به حجم و پختگی اثر و... می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف آن در زمان تألیف حداقل حدود سی سال و یا بیشتر داشته است. پس با حدس قریب به یقین می‌توان گفت که او در سال‌های پایانی قرن هشتم و یا اوایل قرن نهم چشم به جهان گشوده است.

تفاوت‌هایی نیز در سال درگذشت او دیده می‌شود. همان‌طور که گذشت روضه‌الصفاء و حبيب‌السیر سال ۸۸۳ و بعضی از فهرست‌های نسخ خطی ۸۸۴ نوشته‌اند عبدالله هروی در ذیل مزارات هرات، ضمن معرفی مزار او سال درگذشتش را ۸۹۳ نوشته و چنین توضیح داده‌اند:

«مزار امیر سید اصیل‌الدین واعظ

امیر سید عبدالله الحسینی ابن عبدالرحمن الحسینی الدشتکی
الشیرازی ثم الهروی در عصر سلطان ابوسعید گورکان از شیراز به
هرات آمده. کتاب مقصد الاقبال در رساله مزارات (جلد اول از
کتاب حاضر) تألیف اوست. به سال هشتصد و نود و سه از دنیا رفته
و در حوالی مسجد جامع گوهرشاد (مدفون شده. خاکش اکنون
واضح و روبه‌روی منار دو قفسه در شرق جاده مقابل باغ نسوان واقع
است و لوح و سنگ آن از میان رفته و اکنون اهل آن محل در
باغچه مزار او طرح مسجدی ریخته و آن مزار را آباد می‌نمایند، امید
که موفق به اتمام تعمیر آن شوند».^{۲۱}

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی آرشیو ملی پاکستان، ضمن معرفی اثری از او به نکته‌ای برمی‌خوریم که ثابت می‌کند او در سال ۸۸۷ زنده بوده است، مطلب از این قرار است:

«شرح حصن الحصین: غرفه الحصن الحصین

شارح: ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمان بن عبداللطیف الحسینی
المشتهر به اصیل الواعظ.

تاریخ شرح: جمادی الآخر ۸۸۷ هـ در هرات.

شارح همان مؤلف مقصد الاقبال سلطانیه است... و نامش به وضوح
غرفه الحصن الحصین و تاریخش «جمادی الاخری سنه سبع و ثمانین
و ثمان مائه» ثبت شده است. سند را این‌جا می‌آورم:

چنین گوید افقر الی الله الغنی ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمان بن
عبداللطیف الحسینی المشتهر بین کل لافظ باصیل الواعظ غفرالله
ذنوبه...

[پس از دو صفحه]

انفس کتابی که در جمیع ادعیه صحیح به رقم تألیف مرقوم شده،
نسخه حصن حصین است از مؤلفات...

[با حذف القاب]

شمس الحق و الشریعۃ و الدین محمد بن محمد بن محمد الجزری...

فاما از بهر آن که ابنای روزگار به جهت قصور همت و فتور در
صدق نیت از ضبط تمامی و عمل بر جملگی آن عاجزاند، این فقیر

حقیر مدتی بود که می‌خواست که... آن نسخه‌ی شریف را انتخاب کند... اقدام به این امر در مضیق تعویق می‌افتاد تا در جمادی‌الآخری سنه سبع و ثمانین و ثمان مایه در قبه الاسلام هرات... به مطالعه‌ی مختصری مشرف شد که... و آن را غرفه‌ الحصن الحصین نام نهاد.^{۲۲}

با توجه به مطلب فوق، سال در گذشت او را نمی‌توانیم ۸۸۳ یا ۸۸۴ بدانیم. از طرفی نظر عیدالله هروی هم که سال ۸۹۳ نوشته‌اند - نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا معین‌الدین فراهی - کاتب نسخه‌ی حاضر - که معاصر اصیل‌الدین واعظ بوده، در آغاز مجلس اول پس از ذکر القاب و عناوین به گونه‌ای از مؤلف نام برده و در حق او دعا کرده که نشان می‌دهد مؤلف تا آن زمان در قید حیات بوده است.

«... ابی المفاخر عبدالله الحسین الشافعی المحدث، خلد الله ظلال ارشاده و افاض علی البرایا سجال ارفاده...».^{۲۳}

اما دعایی که در پایان مجلس اول و آغاز مجلس دوم آورده، نشان از درگذشت مؤلف دارد:

«... سلطان المواعظ، اصیل‌الدین واعظ، اسکنه اعلی فرادیس الجنان و انزل علیه تناسب الغفران».^{۲۴}

۲۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، آرشیو ملی پاکستان، اسلام‌آباد، (گنجینه‌ی مفتی فضل عظیم بهیروی)، به کوشش عارف نوشاهی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران ۱۳۹۰، ص ۸-۵۲۷.

۲۳- کتاب حاضر، ص ۱.

۲۴- کتاب حاضر، ص ۶۲.

«... نقلته عن خط المؤلف قدس الله روحه و اسبغ فتوجه و انزله في جوار القدس و...»^{۲۵}

در پایان مجلس دوم نیز، پس از دعای خیر درباره‌ی مؤلف، زمان مقابله با نسخه‌ی اصلی را اوایل صفر ۸۸۹ قید کرده است:

«قبل هذا المجلس السّامی... فی اوایل صفر، ختم بالخیر و الظفر، المنخرط فی شهور سنه تسع و ثمانین و ثمانمائه»^{۲۶}

با اندکی تأمل در می‌یابیم که «معین الدّین فراهی» کتابت و مقابله‌ی نسخه‌ی حاضر را از اوایل سال ۸۸۹ آغاز و در پایان همان سال به اتمام رسانده است:

«تمت الكتاب الدرج الدرر فی شهر ذی الحجه الحرام سنه تسع و ثمانین و ثمانمائه»^{۲۷}

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اصیل الدّین واعظ تا اوایل سال ۸۸۹ یعنی آغاز کتابت نسخه‌ی حاضر زنده بوده است و در یک جمله می‌توان گفت اصیل الدّین واعظ در سال‌های پایانی قرن هشتم و یا اوایل قرن نهم در شیراز چشم به جهان گشوده و در اوایل سال ۸۸۹ در هرات چشم از جهان فرو بسته است.

مهاجرت به هرات

اصیل الدّین واعظ تا سال ۸۵۸ در وطن اصلی خود - شیراز - اقامت داشته، اما در اواخر این سال به سبب «حلول طامه عظمی و نزول واقعه کبری» همراه با خانواده و بعضی

۲۵- کتاب حاضر، ص ۶۳.

۲۶- کتاب حاضر، ص ۱۲۹.

۲۷- کتاب حاضر، ص ۷۷۴.

از بستگان خود - از جمله برادرزاده اش، امیر جمال الدین عطاء الله حسینی دشتکی نویسنده‌ی روضه‌الاحباب - جلای وطن کرده، به هرات رفته و تا پایان عمر در آنجا رخت اقامت افکنده است. اگر چه با صراحت به این «واقعہ کبری» اشاره نکرده، اما با توجه به شواهد تاریخی حدس زده‌اند که منظور او، استیلای امیر جهان‌شاه ترکمان بر سرزمین‌های مرکزی ایران و برجیده شدن بساط حکومت تیموریان از این مناطق باشد. اصیل الدین پس از ورود به هرات مدتی را سرگردان بوده، اما سرانجام «به ملازمت نواب کامیاب حضرت مهد علیا و ستر عظمی^{۲۸}...» شرف اختصاص یافته و «به تمهید قواعد اخلاص و دولت‌خواهی^{۲۹}» قیام نموده و مورد لطف و عنایت «شاد ملک بیگم» نوه‌ی امیر تیمور گورکانی که بانویی علم‌دوست و هنرپرور بوده، قرار گرفته و به تشویق او کتاب «المجتبی فی سیرة المصطفی» را - که در سال ۸۲۸ تألیف کرده بود - خلاصه کرده و آن را «درج الدرر و درج الغرر...» نامیده است.

وی در مقدمه‌ی کتاب چنین آورده است:

«و چون محرّر مقال این مجالس و مزین جمال این عرایس ... به مساعدت توفیق الهی... در صف نعال آن فرقه ناجیه راه یافته... به تألیف کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی که فی الواقع بحرست مشحون از فرایند نفیسه و مجموعه‌ایست معلو از فواید انیسه مستعد گشت... و به جهت آن که مؤلف مذکور استقصاء اکثر روایات که متعلق است به نظم سیر رسول مبارک نظر... نموده در بیست و هشت به اتمام رسیده... فاما به جهت آن که اکثر طباع به جانب اختصار میل دارند... بنابراین در بعضی ازمنه و اوقات به خاطر قاصر چنان رسید که اگر از آن بحر زخار و عین فوار صورت اغترافی به ظهور پیوندد به نوعی که امتهات مقاصد نسخه مجتبی در دوازده مجلس معروض ضمائر مخادیم و اعزّه توان

۲۸- کتاب حاضر، ص ۷.

۲۹- کتاب حاضر، ص ۸.

ساخت... فاما کثرت علایق و هجوم نوازل و بوابق و... اتمام این مهم را در معرض توقف و تعلل می‌انداخت. در اواخر ستهی ثمان و خمسین و ثمانمیه بعد از حلول طامه عظمی و نزول واقعه کبری قاید تقدیر ربانی عنان عزیمت این فقیر جانی به طرف قبه الاسلام هرات معطوف گردانید. بعد از چند وقت حرمان صوری و هجران ضروری باز به ادراک آن دولت عظمی و سعادت اسنی فایز آمد... به ملازمت نواب کامیاب حضرت مهد علیا... شاد ملک بیگم ابنه السلطان بن السلطان... شرف اختصاص یافت و در آن عتبه منیع به تمهید قواعد اخلاص و دولخواهی... قیام نمود.

بنده‌ی داعی به طریقی که مقتضی حال و مناسب مقام می‌نمود، شرح نسخه‌ی مجتبی و حکایت داعیه اختصار آن... مسوده‌ی مختصر منظوم و مرتب گشته بود، به عزّ عرض رسانید... بغایت مستحسن و مرغوب افتاد و فرمان مطاع به اتمام مجالس مذکوره شرف نفاذ یافت... به تحریر این مختصر مشغول شدم... و هر مجلس به ایراد حرفیه‌ی مناسب مضمون آن ختم نمودم و در دوام دولت ابد پیوند بانویی فرودم و آن را درج الدرر و درج الغرر فی میلاد سید البشر نام کرده، تحفه‌ی مجلس سامی و هدیه‌ی مجلس گرامی نواب حضرت مهد اعلی ساختم و بدان وسیله رایت افتخار در میان اهل روزگار افراختم.^{۳۰}

آثار اصیل الدّین واعظ

۱- رساله‌ی مزارات هرات (مقصد الاقبال).

۲- المجتبی فی سیره المصطفی.

۳- المجتبی من کتاب المجتبی فی سیره المصطفی.

۴- درج الدرر و درج الغرر (کتاب حاضر).

۵- تاریخ مکمل.

۶- معالم الاسلام.

۷- تحفة الاحبار فی اصول الاخبار.

۸- جبل المتین.

۹- نزہة النظر فی شرح نخبة الفکر.

۱۰- مراجع الاعمال.

۱۱- شرح حصن الحصین = غرفة الحصن الحصین.

اکثر تذکره‌ها و کتب تاریخی که به شرح حال او پرداخته‌اند، فقط از چهار اثر نخستین نام برده‌اند و آن‌ها را به طور خیلی مختصر معرفی کرده‌اند. اما او در جاهای مختلف «درج الدرر» به آثار دیگر خود اشاره کرده و خواننده را برای شرح و تفصیل مطالب به آن‌ها ارجاع داده است.

مرحوم فکری سلجوقی به یکی دیگر از آثار او - معراج الاعمال - اشاره کرده و در مقدمه‌ی رساله‌ی مزارات هرات چنین نوشته است:

«سید اصیل الدین عبدالله به جز از رساله‌ی مزارات (مقصد الاقبال) تألیفات دیگری نیز دارد که از آن جمله است: معراج الاعمال در بیان اوراد و عبادات و کتاب درج الدرر و درج الغرر».^{۳۱}

۳۱- رساله مزارات هرات، مقدمه، همان، ص ۲۲.

از اثر آخر او «شرح حصن الحصین یا غرفه الحصن الحصین» در درج الذرر نامی به میان نیامده است. همان طور که اشاره شد، نام این اثر در فهرست نسخه‌های خطی فارسی آرشیو ملی پاکستان^{۳۲} آمده و تاریخ شرح آن جمادی‌الآخر ۸۸۷ قید شده است. این تاریخ نشان می‌دهد که اصیل‌الدین واعظ آن را بعد از تألیف «درج الذرر» شرح کرده و به نظر می‌رسد که آخرین اثر او بوده، لذا در درج الذرر به آن اشاره نشده است.

شرح احوال و آثار معین‌الدین فراهی

نام و نسب وی را در جاهای مختلف چنین می‌خوانیم:

«مولانا معین‌الدین واعظ پسر مولانا حاجی محمد فراهی هروی».^{۳۳}

«مولانا معین‌الدین فراهی».^{۳۴}

«مولی معین یا منلا معین‌الدین فراهی هروی مشهور به ملا مسکین».^{۳۵}

«فراهی، معین‌الدین بن محمد (۹۹۰۹ق)».^{۳۶}

۳۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، آرشیو ملی پاکستان، همان، ص ۵۲۷.

۳۳- رساله مزارات هرات، مقدمه، همان، ص ۲۴۸.

۳۴- روضة‌الصفاء، مجلد هفتم، همان، ص ۵۹۵۴.

۳۵- تفسیر حدایق الحقایق، مقدمه مصحح، ص ۱۲.

۳۶- فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۱، ص ۶۷۸.

تاکنون تحقیقی شایسته و درخور درباره‌ی او صورت نگرفته و اطلاعات موجود بسیار اندک است. کتب تراجم و تذکره‌ها درباره‌ی ولادت، زندگی و جوانی او سخنی به میان نیاورده‌اند.

اولین سندی که او را معرفی کرده، جلد هفتم تاریخ روضه‌الصفاء می‌باشد که چنین نوشته است:

مولانا معین‌الدین فراهی

«برادر امجد و ارشد قاضی نظام‌الدین محمد بود. در بسیاری از فضایل و کمالات اظهار وقوف می‌نمود و در زهد و تقوی درجه‌ی علیا داشت و اکثر خطوط را در غایت جودت بر صفحه‌ی تحریر می‌نگاشت و در ایام جمعه بعد از ادای ظهر در صفحه‌ی مقصوره مسجد جامع [هرات] وعظی در کمال تأثیر می‌گفت و درر و غرر معانی آیات و احادیث را به الماس طبع لطیف می‌سفت. به اعظام امرا و دیوانیان که در مجلس اشرف وعظ او می‌نشستند ملتفت نمی‌گشت و در وقت نصیحت آن طایفه سخنان درشت بر زبانش می‌گذشت.

و آن جناب را بعد از فوت برادر به موجب وصیت وی هر چند به منصب قضاوت تکلیف و مبالغه نمودند، قبول نفرمود.

و از آثار قلم لطایف نگار مولوی معین‌الدین «معارض النبوة» در میان مردم مشهور است و اکثر وقایع و حالات سید کاینات علیه‌الصلوة و اکمل التحیات به روایات مختلف در آن نسخه مسطور و آن جناب در تفسیر فاتحه‌الکتاب و قصه‌ی یوسف علیه‌السلام تصانیف بسیار دارد که هر کس کمال بلاغت آن کتب را مستحسن می‌شمارد و مولانا معین‌الدین در شهر سنه‌ی سبع و تسع مائه (۹۰۷ هـ) مریض

شده، درگذشت و در مزار مقرب حضرت باری خواجه عبدالله انصاری پهلوی برادر خود خواجه نظام الدین مدفون گشت.^{۳۷}

تاریخ حبیب السیر درباره‌ی منصب قضاوت او چنین آورده است:

«و آن جناب بعد از فوت برادر به موجب تکلیف خاقان والا گهر مدت یک سال صاحب متصف قضا بود. آن گاه ترک آن امر داده، هر چند دیگر مبالغه نمودند، قبول نفرمود.»^{۳۸}

در تذکره مجالس النفایس دوبار به نام او برمی‌خوریم؛ ابتدا در صفحه‌ی ۹۴ چنین می‌خوانیم:

«مولانا معین واعظ، پسر مولانا حاجی محمد فرهی است که از مشاهیر است و او حالا واعظ مقرر شهر است. این مطلع از اوست:

مگر فصل بهار آمد که عالم سبز و خرم شد

مگر وصل نگار آمد که دل با وصل همدم شد.»^{۳۹}

همین تذکره در جای دیگر صفحه‌ی ۲۶۹ از او چنین یاد کرده است:

«مولانا معین واعظ. پسر مولانا محمد فرهی است. او نیز واعظ خوبی است و در ممالک خراسان وعظ او در پیش عوام و خواص مرغوب و لیکن شخصی دیوانه‌سان است و مریدان او نیز بدین‌سانند و دایم

۳۷- روضة الصفا، مجلد هفتم، همان، ص ۵-۵۹۵۴.

۳۸- حبیب السیر، همان، ج ۴، ص ۳۴۰.

۳۹- تذکره مجالس النفایس میر نظام الدین علیشیر نوایی به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات کتابفروشی منوچهری، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۴.

در این شأن و چون به دیوانگی شهرت گرفته، هر سخن که می‌خواهد بر سر منبر می‌گوید و هیچ کس او را مؤاخذه نمی‌سازد. زیرا که بر دیوانه و عاشق قلم نیست...

مولانا نظام‌الدین می‌گفته: مولانا معین جوانی قابل است و لیکن تخته‌ی منبر قابلیت او را ضایع گردانیده.^{۴۰}

آنچه را که کتب دیگر از جمله «الذریعه فی تصانیف الشیعه» و «کشف الظنون» و «تاریخ حبیب السیر» و... نوشته‌اند، با اندکی اختلاف، برگرفته از تاریخ روضه‌الصفاء و به نوعی تکرار همان مطالب است. حتی در تحقیقات معاصر از جمله «مقدمه‌ی تفسیر حدایق الحقایق»^{۴۱} و مقاله‌ی «نقد نثر تفسیر حدایق الحقایق»^{۴۲} باز به همان مطالب استناد شده و همگی نشانگر کمبود اطلاعات درباره‌ی اوست.

سال درگذشت او را روضه‌الصفاء ۹۰۷ هـ مقدمه تفسیر حدایق الحقایق ۹۰۸ هـ و کتاب رجال حبیب السیر ۹۰۹ هـ نوشته‌اند. در کشف الظنون سال درگذشت او ۹۵۴ هـ ذکر شده که قطعاً اشتباه است. زیرا که اختلاف زمانی خیلی زیاد است و هیچ‌یک از کتب تاریخی دیگر به این سال و یا نزدیک به آن اشاره‌ای نکرده‌اند.

الذریعه به خطاط بودن او اشاره کرده و چنین گفته است:

«انه كان خطاطاً باكثر الخطوط».^{۴۳}

۴۰- تذکره مجالس النفایس، همان، ص ۲۶۹.

۴۱- تفسیر حدایق الحقایق، مقدمه مصحح، ص ۱۲.

۴۲- فصلنامه‌ی تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۶، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، مقاله‌ی نقد نثر تفسیر حدایق الحقایق، محمد رضایی، سعیده پورسلیمی، ص ۲۳۹.

۴۳- الذریعه، همان، ج ۹/۳ ص ۱۰۷۸.

به درستی که وجود کتاب حاضر مؤید این سخن است.

با توجه به این که شواهد و قرائنی - که بتوانیم سال ولادت او را حدس بزنیم - در دست نیست زندگی و طول عمر او در هاله‌ای از ابهام مانده است. اما در مجموع می‌توان گفت: او واعظی زاهد و دانشمندی با تقوا و اهل فضایل و کمالات بوده، به آیات و احادیث آگاهی داشته، هم‌چنین شاعری اهل ذوق بوده است. از مطلبی که در تذکره‌ی مجالس النفایس آمده و او را «شخصی دیوانه‌سان» معرفی کرده، برداشت می‌شود که پشت پا به تعلقات دنیوی زده و نظرات خود را بی‌پروا بر سر منبر بیان می‌کرده است. در موعظه و نصیحت حاکمان و دیوانیان و انتقاد از آنان زبانی تند و گزنده داشته است.

نگارنده درباره‌ی وی بیش از مطالب فوق چیزی نیافتم. امیدوارم با تحقیق و بررسی نسخه‌های خطی آثار وی بتوانم به مطالب تازه‌ای برسم و در اختیار دوست‌داران زبان و ادب فارسی قرار دهم.

کتابت نسخه‌ی حاضر

همان‌طور که اشاره شد معین‌الدین فراهی به عنوان واعظ شهر در بین خاص و عام از شهرت والایی برخوردار بوده، هم‌زمان با اصیل‌الدین واعظ می‌زیسته و مانند او در فن سیره‌نویسی مهارت داشته است. چه بسا در وعظ و خطابه و هم‌چنین تألیف «معارج النبوة» به «درج الدرر» نظر داشته و از آن بهره می‌برده است.

با این حال به کتاب نسخه‌ی حاضر پرداخته و با اندک تأملی در متن کتاب در می‌یابیم که آن را با دقت و وسواس نوشته و به طور کامل امانت را رعایت کرده و از دخل و تصرف در آن خودداری نموده است. در پایان هر مجلس نوشته‌ی خود را با نسخه‌ی اصلی مقابله کرده و هر جا که مطلبی جا افتاده، آن را با علامت ۷ مشخص و در حاشیه قید کرده است. اگر کلماتی را جابه‌جا نوشته با گذاشتن حروف «م» و «خ» در بالای آن‌ها مقدم

و مؤخر را مشخص کرده است. تاریخ مقابله را گاه با ذکر روز و ماه و سال بیان کرده است.

نظر به این که او و پدرش شرف‌الدین محمد فراهی هر دو شاعر بوده و تخلص «مسکین» داشته‌اند، محقق محترم آقای نجیب مایل هروی در مقاله‌ی خود سؤالی را مطرح کرده و درباره‌ی مثنوی کوتاهی که تخلص ایهام‌وار - مسکین - دارد، چنین نوشته‌اند:

«آیا کسی که از یک سوی واعظ شهر باشد، مشهور بین خواص و عوام؛ و از سوی دیگر، خود مؤلف سیره‌نویس و ادیب و متّصف به صفات علمی و ذوقی اصیل واعظ؛ نسخه‌ای که وی از درج الدرر می‌پردازد، به عینه همان است که مؤلف ساخته و پرداخته است؟

این سؤالی است که از اشارات مکرر معین واعظ، دال بر مقابله‌ی نسخه‌ی مکتوب خود با اصل تبیض شده‌ی درج الدرر محقق می‌شود و روشن؛ الا این که مثنوی کوتاه زیر - که تخلصی ایهام‌وار دارد: مسکین - منجز شود که از معین مسکین نیست، مثنوی مذکور این گونه است:

ای تن تو جوهر جان‌های ما	نعت تو آمین زبان‌های ما
صدر نشینان صف کاینات	صدر ترا زیرنشین از جهات

...

ای ز همه بیش به تمکین خویش هم نظری جانب مسکین خویش^{۴۴}

در پاسخ ایشان لازم است بگویم، نگارنده که هم اکنون مشغول تصحیح این اثر هستم، نسخه‌ی حاضر را با تمام نسخه‌های موجود در ایران مقابله کرده‌ام و در تمامی

۴۴- پیام بهارستان/ د ۲ س ۱ ش ۴/ تابستان ۱۳۸۸. اصیل شیرازی، واعظ دره‌ری، ص ۲۷۵.

نسخه‌ها، این مثنوی دیده می‌شود. بنابراین - حتی اگر سراینده‌ی مثنوی مذکور معین‌الدین فراهی باشد - به طور قطع و یقین می‌توان گفت که این مثنوی به دست خود مصنف در داخل متن درج شده است و برافزوده‌ی کاتب نیست. پس با توجه به موارد متقن دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که نسخه‌ی حاضر همان متنی است که از زیر دست اصیل‌الدین واعظ بیرون آمده و از دخل و تصرف کاتبان مصون مانده است لذا از این جهت اهمیت بسزایی دارد.

آثار معین‌الدین فراهی

- ۱- ارشاد الطالبین / عرفان و تصوف^{۴۵}: دو نسخه از این اثر معرفی شده است.
- ۲- اعجاز موسوی = تاریخ موسوی = قصص موسی = قصه‌ی موسویه / داستان / فارسی.^{۴۶} پنج نسخه از این اثر در کتابخانه‌های ایران معرفی شده است.
- ۳- بحر الدّرر = حقایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق = احسن القصص = تفسیر سوره‌ی یوسف / تفسیر / فارسی.^{۴۷} سی و هشت مورد از نسخه‌های متعدد این اثر معرفی شده است.
- ۴- التفسیر / تفسیر / عربی - فارسی.^{۴۸} یک نسخه از این اثر در کتابخانه‌ی ملک موجود است.

۴۵- فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۱، ص ۶۷۸.

۴۶- همان، ج ۲، ص ۳۶-۳۵.

۴۷- همان، ج ۲، ص ۴۲۳-۴۲۲.

۴۸- همان، ج ۳، ص ۸۲.

۵- دیوان معین هروی / شعر / فارسی.^{۴۹} یک نسخه از دیوان او در کتابخانه‌ی مجلس موجود است.

۶- روضه‌الواعظین فی شرح احادیث الاربعین عن سید المرسلین / مواعظ، شرح حدیث / فارسی.^{۵۰} چهار نسخه از این اثر در کتابخانه‌های قم و مجلس موجود است.

۷- شرح کنزالدقایق / فقه / عربی. وابسته به کنزالدقایق نسفی.^{۵۱} چهار نسخه از این اثر معرفی شده است.

۸- معارج النبوة فی مدارج الفتوة = سیر شریف = سیر معینی.^{۵۲} هفتاد و سه نسخه از این اثر در کتابخانه‌های ایران معرفی شده است.

۹- الواضحة فی تفسیر سورة الفاتحة = تفسیر سوره‌ی فاتحه.^{۵۳} چهار نسخه از این اثر در کتابخانه‌های قم و تهران معرفی شده است.

لفظ و محتوای درج الدرر

کتاب گرانمایه‌ی درج الدرر از جمله سیره‌های نبوی قرن نهم است که مؤلف آن، اصیل‌الدین واعظ، با استفاده از اخبار، روایات، کتب تاریخی، علم تفسیر، حدیث، تصوف، اسماء رجال و سایر علوم معتبر، چنین اثری را تألیف کرده است.

۴۹- همان، ج ۵، ص ۳۸۸.

۵۰- همان، ج ۵، ص ۱۰۷۶.

۵۱- همان، ج ۶، ص ۱۰۲۰.

۵۲- همان، ج ۹، ص ۷۷۷.

۵۳- همان، ج ۱۰، ص ۹۳۳.

وی به سبب ذوق ادبی خود، صرفاً به بیان مسایل تاریخی نپرداخته، بلکه نثر را با شعر و آرایه‌های ادبی، اقوال عرفا، اشارات مناسب و مناظرات جالب، آراسته و پرداخته است. این اثر نه تنها به عنوان یک سیره و کتاب تاریخی، بلکه به عنوان یک اثر ادبی، قابل توجه است.

مؤلف در این باره چنین گفته است:

«... به تحریر این مختصر مشغول شدم و دوازده مجلس که مشتمل است بر اصحّ ما روی فی هذا الفن... به قلم آوردم و صحایف آن را به اشعار شایقه استادان فصاحت شعار و ایات رایقه متکلمان بلاغت دثار و اشارات ملیحه و عبارات فصیحه و دقایق بدیعه و حقایق منیعه و مناسبات عجیبه و مناظرات غریبه و اسالیب دلپذیر و تراکیب بی‌نظیر که اکثر نتیجه‌ی فکر بکر خاصه است یاراستم و از ایراد منشآت دیگران مهما ممکن پیراستم. زیرا که عیال مردم بودن وظیفه‌ی اهل غیرت و قناعت به سرمایه‌ی خویش نمودن را نتیجه جز حیرت نمی‌باشد. بدان واسطه. نظم:

برون آرم از طبع روشن ضمیر	یکی پاره کرباس همچون حریر
نه از شانه پیوند آن بنگرم	نه در بافتن نام ماکو برم
اگر پوشش مردم اطلس بود	مرا آنچه من بافتم، بس بود

و هر مجلس به ایراد حرفه‌ی مناسب مضمون آن ختم نمودم و در دوام دولت ابد پیوند بانویی فزودم».^{۵۴}

با اندکی تأمل در متن فوق می‌توان به سبک شخصی مؤلف پی برد. در این متن انواع سجع و جناس، واج‌آرایی، لغات و ترکیبات عربی، کلمات مترادف، تشبیه و استعاره، کاربرد شعر به دنبال نثر - به گونه‌ای که معنی نثر را تکمیل می‌کند - و اطناب، ایجاز مخمل و... دیده می‌شود. شاید این سؤال به ذهن برسد که؛ اطناب با ایجاز چگونه قابل جمع است؟ اگر به عبارت زیر بنگریم پاسخ سؤال را در می‌یابیم:

در عبارت «زیراک عیال مردم بودن وظیفه‌ی اهل غیرت و قناعت به سرمایه‌ی خویش نمودن...» علی‌رغم اطنابی که در آن دیده می‌شود، حذف فعل «نیست» بعد از «اهل غیرت» ایجاز مخمل به وجود آورده و درک مطلب را با تعقید معنوی مواجهه کرده، لازم است بعد از «اهل غیرت» فعل «نیست» اضافه شود، تا معنی مورد نظر حاصل آید. در غیر این صورت، خواننده با نوعی تناقض در متن روبرو می‌شود. مگر این که بگوییم، مؤلف فعل «نمی‌باشد» را که در آخر پاراگراف آورده، در این جا به قرینه‌ی لفظی حذف کرده است، که خود این عمل هم به نوعی از فصاحت کلام می‌کاهد.

تمن زیر نیز به لحاظ کاربرد آرایه‌های ادبی و تلمیحات و اشارت تاریخی قابل تأمل است و خوانندگان محترم به خوبی زیبایی‌ها و نکات بلاغی آن در می‌یابند.

«مقرر است که آن دم که نقطه‌ی نور نمود سید انیس و جان از سر
پرگار کن فکان بر صحیفه‌ی وجود فتاد و از ممکن بطون در مامن
ظهور آمد، از عرش و فرش و لوح و قلم اثر نبود...»

هنوز آدم میان آب و گل بود که او شاه جهان و نور دل بود

نوح کشتی می‌تراشید که ایادی لطف و مکرمت بر فرق دولتش نثار
سعادت می‌پاشید. ابراهیم را منجنیق می‌ساختند که استاد فضل ربانی
منجوق کامرانی او می‌پرداخت. موسی در حجره «ارنی» می‌زد که او
در صفه‌ی «الم تر الی ربک» عشرت می‌کرد. عیسی بر بام فلک

می شد که او زاویه بر ساق عرش بنا می فرمود. هنوز صورت آدم بر لوح فطرت اثبات نکرده بودند و صورت «انی جاعل» به مسامع افواج ملک نرسانیده که آوازه ی عظمت و جلال و دبدبه ی ابهت و کمال آن حضرت به خافقین رسیده بود که «اول ما خلق الله تعالی نوری» شخص نبیل خلیل از غار عدم قدم بر جبل وجود نهاده بود و اشتیاق اسحاق و اسیل اسماعیل و کروب یعقوب و تأسف یوسف هنوز نبود که خطیب کبریا بر منبر مجد و علا ثنای وی می خواند که محمد رسول الله...»^{۵۵}

هم چنین در متن زیر به کارگیری کلمات و اصطلاحات نجومی، آمیخته با چاشنی عرفان و ذوق ادبی مؤلف قابل توجه است.

«... کیوان عالی ایوان بر شرف قصر شرفش کوتوالی، بزرگواری. خطیب ادیب برجیس بر منبر تقدیس هفت پایه آسمان، جهت ترتیب خطبه ی جماعتش، طلیسان داری. بهرام کافی الانتقام در مضمار محاربه اعادی شریعتش تیغ رانی، چابک سواری. آفتاب عالم آرای از پرتو لوامع باطن نورافشانش در مسند طارم چارم ذره پروری، شهریاری. زهره رعنا در بزم ملاطفت دوستانش خوش نوایی، شیرین گفتاری. شیر وافی تدبیر در ضبط و نسق اوراق دفتر مفاخرش راست قلمی، صاحب اعتباری. ماه عالی خرگاه در رکاب سمند توسن شبذیش پیاده روی، سبک رفتاری. کواکب ثوابت در طرق اهتداء امت عالی همتش هر یک علامتی علامه رهنمای روشن کرداری. حمل حامله شعله نورش، ثور کافل تکمیل خرمن سرورش. هیکل دعوتش در گردن جوزا حمایل. سرطان از

میان دل و جان در نهر خدمتش به سباحه مایل. اسد در بیشه اندیشه
متابعت اوامرش پیشه ساخته. سنبه برای حلول در میزان عدلش به
زبان آوری علم افراخته... آسمان به عزم تقبیل احمض فلک
فرسایش، پشت تضرع را خم کرده. زمین در انتظار ادراک غبار
نعین هلال نمایش، چشم‌ها را پر نم کرده...»^{۵۶}

مناظرات ادبی که به مناسبت‌های مختلف بیان کرده، حرفیه‌هایی که به تبعیت از
آثار عرفا در پایان هر مجلس آورده و... همگی نشانگر ذوق ادبی مؤلف است و توجه
خواننده را به خود جلب می‌کند.

درباره‌ی کاربرد اشعار، یادآوری این نکته لازم می‌نماید، که ابیاتی را از شاعران
مشهور - سعدی، حافظ، مولوی، فردوسی، نظامی و... - در داخل متن درج کرده است،
بدون این که به نام سرایندگان اشاره کند. فقط در دو مورد از «مولوی» به عنوان «قطب
روم» یا «محقق رومی» نام برده است. از جمله نمونه‌ی زیر:

«قال المحقق الرومی روح الله روحه فی اول الدفتر الثالث.

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سیم دفتر که سنت شد سه بار»^{۵۷}

باز در جای دیگر می‌بینیم که شعر مولوی را بدون ذکر نام آورده است. مانند:

اینجا کیست پنهان دامن من گرفته	خود را ز پس کشیده، پیشان من گرفته
اینجا کیست چون جان و خوش‌تر از جان	شیرین شکر فروشی، دکان من گرفته» ^{۵۸}

۵۶ کتاب حاضر، ص ۱۹-۲۰.

۵۷ کتاب حاضر، ص ۱۷۵.

در مجموع این کتاب از ویژگی‌های ادبی بسیاری برخوردار است که به منظور پرهیز از اطاله‌ی کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. شرح و بسط مطالب را به مقاله‌ای که درباره‌ی ویژگی‌های سبکی و زبانی درج الدرر فراهم کرده‌ام - ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد - واگذار می‌کنم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از دوست ارجمند و گرامی، جناب آقای بهروز ایمانی که با لطف و مرحمت خود مرا یاری نموده و لوح فشرده و تصویر نسخه‌ی حاضر را در اختیارم قرار دادند، صمیمانه سپاسگزاری کنم و با تمام وجود بگویم: خدایش خیر دهد.

احمد فتوحی نسب

مهرماه ۱۳۹۲